

نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی

خلاصه

مذهب به عنوان یکی از معیارهای تمیز نواحی جغرافیایی تلقی می‌شود همچنین نواحی مذهبی می‌توانند براساس ویژگی‌ها و کارکرد آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرند. همچنین پدیده مهم منشاء ایجاد تغییر و تباین در مکان‌های گوناگون است. در حقیقت، جایگاه مذهب در مطالعات جغرافیایی، از طریق تأثیر مذهب در تعیین الگوی فعالیت‌های اقتصادی و اثر بینش‌های مذهبی در خلق چشم‌اندازهای جغرافیایی تعیین و تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مذهب، فضای جغرافیایی، مکانیزم پخش

مقدمه

مذهب به مثابه یکی از عناصر فرهنگی و یک پدیده، منشاء ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکان‌های گوناگون می‌باشد. به طوری که می‌توان جغرافیای مذهب را مطالعه تأثیرات مذهب در سازمان فضایی جوامع و یا مطالعه دگرگونی سطح سیاره زمین توسط مذهب تعریف نمود. طرح پاسخ‌گویی درباره سوالاتی نظیر توزیع و پخش مذاهب، نقش محیط بر پیدایش مذاهب گوناگون، اثر اعتقادات مذهبی در نحوه نگرش انسانها به محیط و کنترل آن، رابطه میان ناملايمات محیطی و اعتقادات مذهبی، تأثیر مذهب در تعیین الگوهای فعالیت‌های اقتصادی و اثر بینش‌های مذهبی در خلق چشم‌اندازهای جغرافیایی، به وضوح می‌تواند جایگاه مذهب را در مطالعات جغرافیایی تعیین و تبیین نماید.

شکل‌گیری فضاها و نواحی فرهنگی بر مبنای مذهب

مذهب به مثابه یکی از معیارهای تمیز نواحی تلقی می‌شود. نواحی مذهبی براساس پیروان ادیان، بکتاریستی از گستردگی جغرافیایی خاصی برخوردارند. لذا، نواحی مذهبی می‌توانند براساس

ویژگی‌های مبرز و تخصصی‌تر مذاهب و در مواردی بر مبنای کارکرد آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرند (Roger. W, 2000, p159). مرز نواحی فرهنگی- مذهبی به هیچ‌رو شدید نبوده، به طوری که غالباً پیروان دیگر مذاهب نیز به هم‌زیستی در یک محیط کوچک متجانس مذهبی، خو گرفته‌اند. بدین‌سان، ضرورت مطالعه نواحی مذهبی در قالب پویا مطرح می‌باشد. در شکل‌گیری نواحی مذهبی، تفکیک میان مذاهب گوناگون از اهمیت اساسی برخوردار است. پیروان ادیان جهان شمول با توجه به حقانیتی که در ایدئولوژی مذهبی خود می‌یابند، سعی در گسترش جغرافیایی و کسب پیروان فزون‌تر دارند، در حالی که انبساط جغرافیایی و مقبولیت جهانی در مذاهب نژادی و اقلیتی مطمح نظر نمی‌باشد. جهان شمول‌ترین ادیان از نقطه نظر پوشش جغرافیایی و تعداد پیروان، دین مسیح است. حقانیت دین اسلام نیز موجبات گسترش جغرافیایی آن را فراهم آورده است، به طوری که ایجاد نواحی ممیزه مذهبی- فرهنگی در سطح سیاره زمین نموده است. سیمای نواحی مذهبی، به‌طور پراکنده‌ای تحت تأثیر دین یهود به‌ویژه در میان جوامع شهرنشین قرار داد. شمال هند مجاور به رودخانه سند، خواستگاه مذهب هندو با قدمتی بیش از ۳۵۰۰ سال می‌باشد که گستره جغرافیایی عمده‌ای را به خود اختصاص نداده است. بوداییسم نیز که در پای کوه‌های هیمالیا، حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد بنیان‌گذاری شد، از نواحی نسبتاً عمده مذهبی- فرهنگی به‌شمار می‌آید. نواحی بسیار محدودی در جهان نیز معرف پیروان آیین شرک و بت‌پرستی بوده که به حلول روح مقدس در کالبد برخی اجرام و عوارض نظیر رودخانه، قله کوه‌ها و باتلاق‌ها معتقد هستند. بالاخره در پاره‌ای از مناطق شهری، نواحی لامذهب کوچکی تشکیل یافته که در پیدایش آن‌ها دولت‌ها نقش اساسی داشته‌اند. کره زمین شاهد شکل‌گیری نواحی فرهنگی براساس انواع مذاهب می‌باشد که گستره جغرافیایی آن‌ها و کمیت پیروان‌شان تابع اصول تئوری پخش با توجه به عملکرد موانع و عوامل مداخله‌کننده می‌باشد.

بررسی مکانیزم پخش مذهب به‌عنوان یک نوآوری

الگوی توزیع جغرافیایی مذاهب تحت تأثیر مذهب به‌منزله یک نوع‌آوری و مکانیزم تئوری پخش قرار دارد. به‌طور کلی انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان پخش و تراوش گفته می‌شود. در جغرافیای انسانی تئوری پخش ابتدا در سال ۱۹۵۳ به‌وسیله‌ی تورستن هاگراسترن^۱ جغرافیدان سوئدی در دانشگاه لاند منتشر گردید. این تئوری به‌خصوص

در جغرافیای کاربردی یکی از مراحل مهم، در روند تحلیل فضای جغرافیایی شناخته می‌شود (شکوهی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۱). پخش مذاهب به دو طریق یکی اشاعه از طریق جابجایی^۲ و دیگری پخش انبساطی^۳ توجیه پذیر می‌باشد.

پخش از طریق جابجایی درخصوص ادیان جهان شمول با فرستادن مبلغین مذهبی به دیگر نقاط عملی گردید. گسترش مسیحیت در افریقای ساحلی و ایجاد پایگاه‌های مذهبی در نیجریه، تانزانیا و سیرالیون همراه با رواج مسیحیت اروپا در آمریکا از طریق موج مهاجرت‌های ماورای بحار، نمونه‌هایی از کارکرد مکانیزم پخش از طریق جابجایی می‌باشند. پخش انبساطی و نفوذی به دو طریق سلسله مراتب‌گونه و همه‌گیر صورت می‌پذیرد. در اشاعه و پخش با روند سلسله مراتب‌گونه، مذهب به مثابه یک نوآوری در رأس سازمان اجتماعی جامعه مطرح می‌گردد و سپس با تأخیر و اُفت زمانی در سطوح پایین‌تر جامعه پخش می‌گردد. اشاعه مسیحیت در اروپای جنوبی نمونه‌ای از مکانیزم پخش انبساطی سلسله مراتب‌گونه می‌باشد. پخش انبساطی نوع همه‌گیر تابعی از میزان تماس‌ها و ارتباطات شخصی در سطوح نواحی و فارغ از سلسله مراتب شهر می‌باشد.

قدرت امواج پخش، تحت تأثیر روند معکوس بُعد مسافت از مراکز ابداع قرار دارد. علاوه بر رابطه استهلاکی مذهب و بُعد مسافت، شدت امواج پخش، تابعی از عملکرد عوامل و موانع مداخله‌کننده نیز می‌باشد. موانع غالباً از نوع نیمه‌نفوذی بوده به گونه‌ای که بخشی از امواج نوآوری فرصت و امکان پخش و اشاعه در فضاهای جغرافیایی می‌یابند. پذیرش مسیحیت در میان هندیان ساکن در آمریکای لاتین و غرب آمریکا از این نمونه تلقی می‌شود. نحوه اشاعه کشت تنباکو در میان فرقه مذهبی خاصی در پنسیلوانیای آمریکا، نمونه بارز دیگری از چگونگی عملکرد موانع مداخله‌کننده مذهبی در راستای مکانیزم تئوری پخش می‌باشد. به همین ترتیب عدم موفقیت مبلغین مذهبی در جذب پیروان در چین در قرن نوزدهم با توجه به وجود تفاوت‌های عظیم فرهنگی، نمونه‌ی دیگری از چگونگی کارکرد موانع بازدارنده می‌باشد.

مذهب و تأثیرات محیطی

گرچه پیوند میان مذهب و سیاست و نقش توأمان آن‌ها در خلق فضاهای جغرافیایی به مراتب بیش از بیان شالوده روابط انسانی و محیط در جغرافیای مذهبی مدرن مطرح می‌باشد، لکن هنوز

2- Relocation diffusion
3- Expansion diffusion

تأثیرات و تأثرات محیطی وجه غالب مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد لوسین فرس^۴، میان انسان و طبیعت ارتباطات متقابل دایمی وجود دارد، به طوری که طبیعت با کوشش انسانی تغییر می‌یابد و محیط نیز در نشو و نمای جوامع انسانی تأثیر می‌گذارد (تهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۹۶). داغ مختصات محیط طبیعی بر جبین جوامع ابتدایی به مراتب مشهودتر می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۶۹). به طور کلی، عناصر و ویژگی‌های محیط جغرافیایی اعم از ناهمواری‌ها، درجه خشکی هوا، تغییرات درجه حرارت، میزان بارش‌های جوی و منابع آب و غیره، نظام اندیشه انسانی و جهان‌بینی ملت‌ها را که خود حاصل بسیاری از عوامل از جمله اعتقادات مذهبی آن‌ها می‌باشد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. رابطه میان مذهب و محیط از دید علم جغرافیا، بیانگر تقابل میان اشکال گوناگون مذهب و نوع فعالیت، فضاها و چشم‌اندازهای جغرافیایی می‌باشد.

اکولوژی مذهبی

برقراری روابط هارمونیک میان انسان و محیط به منزله کارکرد عمده بعضی از مذاهب تلقی می‌شود. بدین ترتیب که محیط طبیعی خود منجر به قبول پاره‌ای از باورها و اعتقادات مذهبی در میان قبایل گردیده است.

انجام مراسم مذهبی در قالب دعا به منظور ریزش باران، توقف زلزله و به طور کلی کنترل ارواحی که در ایجاد بلایای طبیعی مؤثرند، از آن جمله می‌باشند. تخریب مزارع توسط ملخ در شمال چین منجر به ایجاد ۹۰۰ معبد به منظور پرستش خدایان ملخ گردیده است (Chris.C, 1994, p 219). پاره‌ای از عوارض و مناظر موجود در طبیعت به دلایل گوناگون از جمله فردیت و انزوای جغرافیایی، دگرگونی فاحش با سیمای جغرافیایی مجاور (وجود قله منفرد و بلند در میان اراضی بسیارپست) و رنگ و شکل خاص، از قداست خاصی برخوردار هستند. در میان اجرام و مناظر متنوع موجود در طبیعت، ناهمواری‌ها و به ویژه قله کوه‌ها به دلایل گوناگونی در اشکال‌شان، تنوع رنگ آمیزی و یا طبیعت آتشفشانی آن‌ها از قداست و مقبولیت بیشتری در مقایسه با دیگر مظاهر و نمودهای فیزیکی طبیعی برخوردار هستند. به اعتقاد ریشتوفن^۵ شکل خاص کوه‌ها و به ویژه نیم‌رخ قله، سمبل‌گویاتری از پرستش محسوب می‌شود. قله قیفی‌شکل فوجی در ژاپن بیانگر تقدس بیشتری می‌باشد به گونه‌ای که حتی پرواز بر فراز آن ممنوع گردیده است (Fickeler, 1962, p94-117). همچنین

4- Lucien Ferres

5- Rochthofen

برنامه‌ریزی فیزیکی و توسعه شبکه ارتباطی و حمل و نقل در شهرهای ژاپن تحت تأثیر وجود قتل و ناهمواری‌های مقدس قرار دارد (Ibid:110).

قداست رودخانه‌ها در مقایسه با ناهمواری‌ها کمتر است. منشاء تکریم و تقدس آب در اهمیت آن به عنوان منشاء حیات، مظهر صلح (آب را کد) سمبل حرکت (آب‌های جاری) و قدرت معجزه نهفته می‌باشد. رود مقدس گنگ در هندوستان سالانه زائران زیادی را به سوی بنارس هدایت می‌کند. تقویم بسیاری از مراسم مذهبی و یا حلول سال نو در پاره‌ای از ادیان، خود نمودی از حضور طبیعت را عرضه می‌دارد. سال نو یهودیان در آغاز فصل پاییز مبین اختتام خشکی تابستانه مدیترانه و شروع سال جدید کشاورزی همزمان با بارش‌های پاییزه می‌باشد. جشن ایستر برای مسیحیان نوید آمدن بهار را همراه دارد.

مذاهب و ایجاد تغییرات در محیط

همانند آن که محیط طبیعی در ایجاد باورها و نحوه‌ی تعالیم و دستورات مذهبی تأثیر می‌گذارد، اعتقادات مذهبی افراد و نظام ایدئولوژیکی آن‌ها نیز می‌تواند نحوه‌ی استفاده و دخل و تصرف آن‌ها را از محیط طبیعی تحت‌الشعاع قرار دهد (Pacione, 2000, p67-70). برای حکمای غایی سیحیت ایجاد تغییرات در محیط براساس این باور که کره زمین جهت استفاده‌ی اختصاصی انسان‌ها خلق گردیده و انسان دستیار خالق هستی در اتمام وظیفه خلق جهان هستی است، یک عمل الهی پنداشته می‌شود. وجود چنین نحوه نگرش و عمومیت آن به‌ویژه در قرون وسطی در اروپا منجر به ایجاد اراضی وسیع کشاورزی از طریق تخریب بیشه‌زارها و زه‌کشی باتلاق‌ها گردید. نگرش‌های مذهبی می‌تواند در شکل‌گیری فضاهای بیوتیک و گسترش انواع گیاهی نیز مؤثر افتد. درخت بو به دلیل آنکه بودا نور الهی را در هنگام آرامش در زیر این درخت رؤیت کرده بود، از قداست خاصی در نزد بودائیان برخوردار است. همین امر موجب گسترش جغرافیایی این گیاه به شرق دور و حتی ژاپن گردید. به همین ترتیب انتشار سرودهای بومی در بیشه‌زارهای بخش شرقی تگزاس و دیگر مناطق آمریکا و به‌ویژه کاشت آن در قبرستان‌ها، به دلیل آنکه آمریکایی‌های ساکن آمریکای لاتین آن را سمبل زندگی ابدی می‌دانند، صورت پذیرفته است. همچنین گسترش جامعه گیاهی ساج در سیام با وجود عدم مساعدت کامل شرایط اقلیمی حکایت از تقدس ویژه این گیاه دارد.

اعتقادات مذهبی همچنین می‌تواند امر حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست را تقویت و پشتیبانی نماید. بسیاری از پیروان مسلک شرک و چندخدایی، درخت‌زارهای اطراف مدیترانه به ویژه در جوار صومعه‌ها را به دلیل قداست‌شان محافظت می‌نمایند. حفاظت از آب‌های مقدس و جلوگیری از وارد نمودن فاضلاب‌ها و ضایعات، از مهم‌ترین ره‌آوردهای مثبت زیست‌محیطی در چارچوب مذهب محسوب می‌شود. در منطقه جنگلی تایگا واقع در حوضه علیای ینی‌سئی، شکار حیوانات و قطع اشجار به شدت ممنوع می‌باشد (Ibid: 116). قداست خرس در شمال آسیا و ببر در شرق و جنوب این قاره به امر بقاء نسل و حفاظت حیات وحش در این سازمان کمک شایانی نموده است. همچنین اندیشه تعادل بوم‌شناسی ریشه‌ای ژرف در تعالیم مسلمین دارد، چرا که دین مبین اسلام محیط طبیعی را به‌عنوان هدیه خدادادی تلقی نموده و پیروانش را از هرگونه اسراف و تبذیر در راستای تخریب محیط‌زیست برحذر می‌دارد (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷).

مذهب و نحوه ادراکات از بلایای طبیعی

چگونگی ادراک از بلایای طبیعی تحت تأثیر بینش‌های مذهبی قرار دارد. برطبق تعالیم مذاهب هندو و بودا، بلایای طبیعی غیرقابل اجتناب بوده و پیروان آن‌ها بدون هیچ‌گونه مقاومت و کشمکشی پذیرای این گونه حوادث هستند. مسیحیت، طوفان- سیل و خشکسالی را بلایای طبیعی غیرمعمول انگاشته و سعی در کنترل و پیشگیری آن‌ها دارد. به اعتقاد پیروان این دین بروز بلایای طبیعی ناشی از ارتکاب گناهان و تنبیه شیاطین بوده و لذا انسان از طریق توبه کردن می‌تواند از وقوع آن‌ها جلوگیری نماید. در روایت اسلام نیز همین مطلب وجود دارد.

مذهب و فعالیت‌های اقتصادی

توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی در جوامع متأثر از تغییرات و تفاوت‌های فضایی در باورهای مذهبی نیز می‌باشند. تعیین نوع محصول مورد کاشت، حیوان جهت پرورش، نوع مشاغل و گسترش صنعت توریسم، نمونه‌ای از این تأثیرات را عرضه می‌دارند. بهترین نمود اثر مذهب در الگوی کاربردی کشاورزی از زمین و از طریق اعمال تابو و یا تحریم کشت و استفاده از محصولات کشاورزی قابل توجه و تبیین است. پرورش خوک در قسمت اسپانیولی‌نشین تنگه جبل الطارق که اکثریت ساکنان آن را کاتولیک‌های رومی تشکیل

می‌دهند، و عدم پرورش آن در کشور مراکش، نمونه‌گویی می‌باشد. تأثیر اکولوژی محیط طبیعی در اعتقادات مذهبی بدان حد است که برخی نظریه‌پردازان علل حرام شمردن مصرف گوشت خوک را نیز در آن جستجو می‌کنند. بدین ترتیب که با افزایش رشد جمعیت در نواحی کشاورزی خاورمیانه، کشاورزان ناگزیر به ترک زندگی یکجانشینی و اتخاذ رویه کوچ‌نشینی گردیدند. تفاوت در نحوه زندگی و معیشت صحرانشینان، موجبات تغییر در نوع دام را فراهم آورد. چرا که خوک اساساً مناسب زندگی یکجانشینی بوده و طبیعت این حیوان هیچ‌گونه سازگاری با کوچ‌های بلندمسافت ندارد. همین امر موجب جایگزینی این حیوان با احشامی نظیر گوسفند، بز و شتر گردید. در قرن هشتم صحرانشینان با اعمال تعالیم مذهبی این تحریم را برای جامعه یکجانشین ساکن در دره‌ها نیز به ارمغان آوردند.

همچنین توجه مؤکد در خصوص گیاهان و احشام خاص و استفاده از فرآورده‌های مخصوص در اعیاد و مراسم مذهبی، موجبات گسترش جغرافیایی ویژه‌ای را در سطح کره زمین فراهم آورده است. به عنوان مثال در برخی فرق مسیحیت در اروپا و آمریکا، نوشیدن جامی از شراب به‌عنوان سمبل خون حضرت مسیح، موجبات پراکنش تاکستان‌ها را در اراضی آفتاب‌گیر مدیترانه در طی قرون وسطی فراهم آورد.

تأثیر مذهب در جغرافیای کشاورزی تا بدان حد است که می‌توان دلیل اصلی انتشار جغرافیایی برخی از انواع گیاهی را عوامل مذهبی و عمدتاً راهبه‌ها و مبلغین مذهبی بدانیم. برای مثال اولین نهال تاک در آلمان توسط راهبه‌ها در قرن ششم آورده شد. به همین ترتیب تاک برای نخستین بار توسط مبلغین مذهبی کاتولیک به کالیفرنیا برده شد.

همچنین نوشیدن مشروبات الکلی برای مسلمین حرام است. این امر اگرچه در گسترش جغرافیایی تاکستان‌ها در نواحی مسلمان‌نشین اثرات قابل ملاحظه‌ای نداشته، لکن موجب تغییرات در نوع فرآورده مستحصله مشتمل بر مویز، کشمش، شیر، رنگ و آب انگور تازه و نهایتاً تأثیر در الگوی مصرف و صادرات کشورهای مسلمان‌نشین گردیده است.

همچنین دستورات مذهبی می‌تواند سبب اوج و یا برعکس افول فعالیت‌های ماهیگیری به‌عنوان یکی از فعالیت‌های بخش اولیه در جغرافیای اقتصادی گردد. به‌عنوان مثال تحریم مصرف گوشت در روز جمعه و تکریم فعالیت ماهیگیری، توأم با موجبات رونق فعالیت‌های ماهیگیری را در نزد کاتولیک‌های رومی فراهم آورده است. از طرف دیگر برخی فرق دیگر مسیحی

(Seven day Adentist) خوردن ماهی را حرام می‌دانند. بدین ترتیب زمانی که مبلغین مذهبی این فرقه به قصد تغییر بافت مذهبی و گرویدن آنها به فرقه مزبور به جزیره پیت کاری، مهاجرت نمودند، ناگهان اقتصاد خودکفای این جزیره که متکی بر ماهیگیری بوده، دچار فروپاشی و اضمحلال گردید.

وجود اماکن مقدس مذهبی، منجر به جابجایی زایران و انجام سفرهای زیارتی و گسترش صنعت توریسم در کشورهای گوناگون گردیده است. شهرهای مقدس مکه و مدینه در عربستان سعودی، شهر لوردز در فرانسه، شهر واراناس در کرانه رود مقدس گنگ و شهر ایز در ژاپن به ترتیب در نزد مسلمین، کاتولیک‌های رومی، هندوها و شینتوها از قداست خاصی برخوردارند.

چشم‌اندازهای مذهبی

چشم‌انداز به مثابه یک نوشته است که مبین تاریخ فرهنگی یک مکان است. این نوشته قابل خواندن و حاوی پیام است. در برخی از چشم‌اندازها اثر مذهب و باورهای مذهبی قویاً قابل مشاهده بوده، لذا این چشم‌اندازها به عنوان چشم‌اندازهای مذهبی تلقی شده که مطالعه پیرامون آنها همواره مورد علاقه جغرافیدانان بوده است (Chris.C, 1994, p197). چشم‌انداز واژه‌ای بسیار مهم از نظر جغرافیای مذهبی تلقی می‌شود. کلیساها، معابد و دیگر ساختارهای مذهبی نه فقط چشم‌اندازهای مسلط هستند بلکه به مثابه یک شاخص مهم، عامل مؤثر در تغییرات فرهنگی مکان‌های جغرافیایی نیز محسوب می‌شود (Ibid: 213). چشم‌اندازها معرف زوایای فرهنگی جوامع هستند. مثال بارز در این مورد جزیره ایستر^۷ در اقیانوس آرام است که چشم‌اندازی از یک سنگ عظیم‌الجثه مقدس با نام موآی^۸ که از جنس توف‌های آتشفشانی ساخته شده است، در فضای جغرافیایی ایجاد کرده است (Croard.M, 1992, p20). مهاجرت گروه‌های مذهبی نیز به سرعت چشم‌اندازهای فضای جغرافیایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به نحو بهتری بتواند تعالیم مذهبی آنها را پاسخگو باشد (Living Stone.D.N, 1990, p75).

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که مذهب می‌تواند بر روی چشم‌اندازها اثر بگذارد از طریق برخی اسامی و واژه‌هاست. جردن و رانتری^۹ دریافتند که واژه مسیحی سنت^{۱۰} که در نواحی کاتولیک و ارتدوکس مرسوم است، حضور چشم‌انداز خاصی را در فضای جغرافیایی تأیید می‌کند. این امر به‌خصوص در بخش فرانسوی زبان کانادا اهمیت دارد (Jordan and Rountree, 1990, p222).

7- Easter

8- Moai

9- Jordan and Rountree

10- Saints

چشم‌اندازهای مذهبی در مذاهب گوناگون نیز با توجه به بینش اعتقادی آن‌ها از تنوع خاصی برخوردار است. به عنوان مثال کلیسا در نزد پیروان کاتولیک رومی معرف خانه خدا و محراب آن کانون مهم پرستش به حساب می‌آید. این امر نوعاً سبب گردیده است که کلیساهای مربوطه از شکوه و اُبّهت معماری و دکوراسیون زایدالوصفی برخوردار باشند. در نقطه مقابل کلیساهای پروتستان‌ها با توجه به این بینش که خدای سبحان در آنجا ساکن نبوده و صرفاً محلی برای گردهمایی مذهبی تلقی شده‌اند، از نظر اندازه و شکوه و عظمت معماری در مرتبه پایین‌تری قرار دارد. در نزد پروتستان‌های بنیادگرا، به دلیل توصیه و عمومیت روحیه ریاضت‌کشی علاوه بر کاهش عظمت معماری، درجه راحتی کلیسا نیز بسیار پایین است. در نزد مسلمین، حضور قلب و اخلاص تنها پیش‌نیاز این نظام توحیدی می‌باشد و لذا این نحوه بینش در معماری مساجد مؤثر افتاده است. با وجود سادگی نسبی این چشم‌انداز مذهبی، به کارگیری کتیبه‌هایی مزین به اسماء جلاله به‌ویژه الله اکبر، همراه با ایجاد مناره، محراب و مأذنه، جملگی مؤمنان را به توحید فرا می‌خواند. مضافاً آن که مسجد به منزله نخستین پدیده جغرافیایی برخاسته از اندیشه سواداندوزی، کانون تعاون اجتماعی و پایگاه جهاد و نهضت نیز می‌باشد (سعیدی رضوانی، ۳۶۷، ص ۴۵).

علاوه بر معماری عبادتگاه‌ها و اماکن متبرکه، مکان‌گزینی آن‌ها نیز تحت تأثیر عوامل جغرافیایی قرار دارد. در میان چشم‌اندازهای مذهبی مکان‌گزینی پایگاه‌های مبلّغین مذهبی بیش از همه تحت تأثیر عوامل جغرافیایی بوده است. به عنوان مثال استقرار پایگاه‌های مذهبی آکاواپیم^{۱۱} در آفریقای غربی، جوس پلاتی^{۱۲} در نیجریه و اولوگوری^{۱۳} در تانزانیا به تبعیت از عامل ارتفاع، مناسب شرایط جوی و جذّابیت مناظر طبیعی بوده است (Hildegard, 1967, p171). همچنین استقرار پایگاه‌های مذهبی کاتولیک‌نشین در فیری‌تاون و فرناندو در سیرالیون نیز در ارتباط با بُعد مسافت از اروپا، دسترسی به تسهیلات عظیم بندری و مناسب شرایط اقلیمی توجیه‌پذیر است (Ibid:173).

چشم‌انداز قبرستان‌ها منعکس‌کننده فرهنگ و هویت افراد است (Nakagawa, 1990). متداول‌ترین چشم‌اندازها، قبرستان است. ریخت‌شناسی قبرستان‌ها از زمانی به زمانی و از مکانی به مکان دیگر متفاوت است. به‌همین ترتیب طراحی و معماری آن‌ها نیز متفاوت است. متداول‌ترین آن‌ها داشتن سنگ قبر است که شامل اطلاعات مربوط به متوفی است. سنگ بالا یا روی قبر

می‌تواند اطلاعاتی درباره اقتصاد، فناوری و حتی نگرش افراد نسبت به مسأله مرگ را بدهد (Chris.C, 1994, p221). به عنوان مثال سنگ قبرها در انگلستان بعد از قرن ۱۷ از مواد غیرمحلی ساخته می‌شده است که این امر منعکس‌کننده شرایط اقتصادی جامعه بوده که افراد با درآمد متوسط می‌توانستند مواد را از مکان دیگری حمل کرده و هزینه حمل را بپردازند (Dove.J, 1992).

چشم‌انداز مردگان

مذهب از نقطه‌نظر ستایش و قداستی که برای مردگان قایل می‌باشد، موجبات ایجاد چشم‌اندازهای متنوعی را برای مردگان فراهم آورده است. هندوها، بابتیست‌ها و شینتوها که اجساد مردگان خود را می‌سوزانند، فاقد چشم‌اندازهای زنده برای مردگان هستند. در عین حال این گروه خالق چشم‌اندازهای خاصی برای معابد و دیگر ساختارهای مذهبی خود در فضاهای جغرافیایی می‌باشند. یک چشم‌انداز مذهبی هندو دارای حرم‌هایی به اندازه‌های مختلف است که فیزیک این مکان از نظر سایه بودن، دسترس بودن، و لطمه نزدن به چشم‌اندازهای طبیعی و نزدیکی به آب باید مدنظر باشد، چرا که آنان معتقدند خدایان آن‌ها نزدیک آب هستند (Deblj.H.J, 1996, p208). وجود اهرام باشکوه در مصر خود حکایت از حرمت زایدالوصف رهبران عظیم‌الشأن مذهبی سیاسی دارد. ایجاد چشم‌اندازهای مردگان نیز همچنین نمودی از ارتباط با محیط طبیعی را عرضه می‌دارد. چینی‌ها معتقدند که در صورت نامناسب بودن محل دفن مردگان، مرده در آرامش ابدی بسر نخواهد برد و بازماندگان وی نیز همیشه در عذاب خواهند بود. بدین ترتیب، قبور چینی‌ها هم‌آهنگی لازم با محیط طبیعی به لحاظ مسیر وزش باد، دسترسی به منابع آب، جهت کوهستان‌ها و شیب اراضی دارد (Chris.C, 1994, p217).

چشم‌اندازهای کنونی مردگان در آمریکا منعکس‌کننده جنبه دنیوی و عاری از بعد روحانی می‌باشد. کمبود و گرانی اراضی در قسمت‌های مرکزی شهر از یک‌سو و دسترسی به امکانات حمل و نقل بهتر در سال‌های اخیر از سوی دیگر، موجب انتقال چشم‌اندازهای مردگان به اراضی متروک حواشی شهرها گردیده است. همچنین فضاسازی قبرستان‌ها نیز مؤید تجمع بی‌رویه قبرها با تراکمی معادل ۳۰۰۰ قبر در هریک و نوعی جدایی‌گزینی اجتماعی بر مبنای مذهب، ثروت، طبقه اجتماعی و حتی عضویت در کلوپ‌های خاص می‌باشد (Ibid:218). ایجاد باغ‌های یادبود، به عنوان یک حرفه تجاری توسط سوداگران در اراضی ارزان قیمت بیرون شهر که از معافیت مالیاتی برخوردار هستند، در آمریکا متداول شده است. تفکر نوین درخصوص چشم‌اندازهای زنده برای

مردگان، مؤید استفاده چند منظوره (قدم زدن، دوچرخه سواری، حیات وحش، ماهیگیری، عکسبرداری و پیک نیک) از فضای قبرستانها می باشد. در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۷۲ در خصوص قبرستانهای بوستون صورت گرفت استفاده چندمنظوره از این فضا مورد تأیید قرار گرفت (Howett, 1966, p14).

مکان‌یابی صحیح و بهینه چشم‌اندازهای زنده برای مردگان، می‌تواند تبلوری از دانش ما از سیستم اکولوژیکی باشد. بدین معنا و مفهوم که در ایدئولوژی‌های مذهبی که اعتقاد به سوزاندن اجساد دارند، ایجاد دیوارهای بلند و یا باغ‌های مخصوص نگهداری خاکستر مردگان در میان جنگل‌های بکر، باتلاق‌ها، دریاچه‌های منزوی، چمنزارهای فراخ و گسترده، می‌تواند معرف ارتقاء دانش اکولوژیکی ما باشد. همچنین استقرار قبرستانها در اراضی بلااستفاده و بیهوده (نظیر شوره‌زارها و یا بقایای کانسارهای نواری) که جهت مصارف صنعتی و شهری فاقد جاذبه لازم بوده، خود در راستای متابعت از اصول و مبانی اکولوژیکی می‌باشد. ایجاد قبرستان در سواحل شمالی دریاچه بزرگ نمک در یوتای آمریکا به سال ۱۹۷۰ اقدامی مناسب در استفاده از اراضی بلااستفاده و کاربری بهینه ارضی تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

مذهب به مثابه یک عنصر فرهنگی در ایجاد تفاوت‌ها، تغییرات و تباینات مکانی و سازمان‌دهی فضایی جغرافیایی سیاره زمین، ایفای نقش می‌نماید. تنوع در الگوی توزیع جغرافیایی مذاهب در گروهی مکانیزم تئوری پخش می‌باشد. بدین ترتیب که مذاهب جهان شمول تحت تأثیر مکانیزم پخش از طریق جابجایی و یا پخش انبساطی سلسله مراتب گونه، در سطح کره زمین پراکنده شده‌اند. مذهب همچنین می‌تواند معیار تشخیص و تمیز نواحی فرهنگی قرار گیرد. ارتباط میان مذهب و محیط طبیعی و اکولوژی فرهنگی از طریق نحوه برخورد با نیروها و بلایای طبیعی، چگونگی دخل و تصرف و ایجاد تغییرات در محیط، پراکنش انواع خاص گیاهی و یا قداست مناظر طبیعی، قابل توجه و درک است. مذهب با نقش کاربردی خود، همچنین با فعالیت‌های اقتصادی جوامع امتزاج خاصی دارد. بالاخره چشم‌اندازهای مذهبی و حتی چشم‌اندازهای مردگان نیز تبلوری از باورهای مذهبی دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- پاپلی‌یزدی، محمدحسین: بهار ۱۳۶۹، تکمله‌ای بر مقاله «تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱۶.
- ۲- تهرانی، منوچهر: ۱۳۴۵، عامل انسانی در اقتصاد ایران، نشر اندیشه.
- ۳- سعیدی رضوانی، عباس: ۱۳۶۷، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، آستان قدس رضوی.
- ۴- شکوهی، حسین: اردیبهشت ۱۳۷۱، جغرافیا و مذاهب، نخستین سمینار بین‌المللی ویژگیها و مسائل جهان اسلام.
- ۵- شکوهی، حسین: ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، آستان قدس رضوی.
- 6- Chris, C: 1994, Introduction to Geography and religion.
- 7- Croad, M. Easter promise weeked Guardian (28-28) June.
- 8- Debliz, H.J: 1996, Human Geography, Culture, Society and Space.
- 9- Dove, J. A life of their owm Geogrtaphical Magazine (August) 34-36.
- 10- Fickeler, P: 1962, Foundamental Question in the Geography of Religious, From: Readings in Cultural Geography by: Wagner and Mikesell, Chicago press.
- 11- Hildegar, B: 1967, The location of Christian missions in Afric.
- 12- Howett, Catherine. Living Landscape for the Dead, Dover Publication.
- 13- Jordan and Rountree Introduction to Cultural Geography, 1990.
- 14- Living Stone, D.N: 1990, Geography, Tradition and Scientific Revelution.
- 15- Mitford. Tessica: 1963, the America Way of Death, Fawcett World Library.
- 16- Nakagawa, T. Grave Structures and Decorations of Louisiana Human Geography, 14, 145-168.
- 17- Pacione, M: 2000, Geographical Journal, 116 – No1.
- 18- Roger, W: , 2000 Boudaries of Faith Geographical Perspectives on Religious Foundamentalism.